

مدل مفهومی پلیس اقناعگر؛ با تأکید بر پلیس امنیت اخلاقی

نویسنده:

عبدالله عمادی^۱*

چکیده

زمینه و هدف: تأمین امنیت اخلاقی توسط پلیس، با مناقشاتی روبرو بوده که عملکرد و کارایی آن را تحت تأثیر قرار داده. این امر مستدعی است مداخلات در جرائم اخلاقی به صورت مؤثر و تخصصی انجام شود و تیم مداخله گر، تسلط کافی به موضوع اخلاقیات جامعه و برخورد متناسب با آنها را داشته باشند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی در مواجهه با متخلفان، جهت افزایش عملکرد و کارایی پلیس امنیت اخلاقی است.

روش: تحقیق از نوع «کیفی و اسنادی» است که با روش زمینه ای یا داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را کارشناسان امنیت اخلاقی تشکیل دادند که به صورت هدفمند تا رسیدن به حد اشباع تعداد ۲۸ نفر انتخاب گردیدند. برای گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاری محقق ساخته و برای تحلیل داده ها از کدگذاری سه مرحله ای باز، مقوله ای و انتخابی استفاده شده است.

یافته ها: با کدگذاری بر ۱۲۹ مفهوم کلیدی، ۵ مقوله و ۲۱ زیرمقوله حاصل گردید که در قالب ابعاد پنجگانه مدل نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی و بر محور مقوله «اقناعگری پلیس» یا «پلیس اقناعگر» تنظیم شده اند. این ابعاد عبارتند از: «مؤلفه های اقناعگری»، «منابع اقناعگری»، «زمینه های اقناعگری»، «راهکارهای اقناعگری»، «چالش ها و موانع اقناعگری».

نتیجه گیری: بر اساس مدل اقناعگری بدست آمده پیشنهاد شد ساختار و عملکرد پلیس امنیت اخلاقی بر اساس نقش اقناعی مورد طراحی و بازنگری قرار گرفته و به عنوان یکی از پلیس های تخصصی کشور در قالب تشکیلات پلیس امنیت فرهنگی فعالیت نماید. همچنین به نیروهای موجود مهارت اقناعگری آموزش داده شده و بر اساس پنج سبک پلیس اقناعگر، گزینش جدید صورت گیرد.

کلید واژه ها : امنیت اخلاقی، پلیس امنیت اخلاقی، اقناعگری، پلیس اقناعگر، پلیس فرهنگی

۱-مقدمه

امنیت اخلاقی^۱ یا صیانت اخلاقی یکی از موضوعات بسیار مهم برای پلیس جمهوری اسلامی ایران طی سال های اخیر بوده و بخشی از فعالیت ها و امکانات آن را به خود اختصاص داده. این سیاست، باعث شده است وظیفه مبارزه با منکرات جامعه به پلیس امنیت اخلاقی محول گردیده و آن را بر ایجاد امنیت عمومی اخلاقی از طریق پیشگیری از جرائم اخلاقی و برخورد با آنها در جامعه متمرکز نماید.

با این حال پیوسته این مداخلات از سوی گروه های مختلف مورد مناقشه قرار گرفته است. این مناقشات گاهی به نحوه برخورد یک پلیس با یک جرم و گاه به اصل مداخله پلیس مربوط می شود. این امر صرف نظر از ارزشیابی آن نشان می دهد آن گونه که ورود نیروی انتظامی به جرائم امنیتی و حقوقی توسط جامعه پذیرفته شده است، ورود آن به جرائم اخلاقی هم پذیرفته شده و هنجار نیست. اگر چه پلیس از حیث قانونی و حقوقی به مسأله می نگرد و ورود می کند، نمی توان به طور کامل حیث اخلاقی بودن آن را از حیث حقوقی بودن آن به ویژه در زیست فکر متخلفین تفکیک کرد. از سوی دیگر علاوه بر عدم پذیرش هنجاری مداخلات پلیسی در مسائل اخلاقی، برخوردهای قهری و انتظامی با متخلفان منکرات اخلاقی در سال های اخیر، این تقابل و حساسیت را دوچندان کرده است. لذا مداخلات در جرائم اخلاقی باید به صورت حرفه ای و تخصصی انجام شود و افراد تیم مداخله، تسلط کافی به موضوع اخلاقیات جامعه و برخورد متناسب با آنها را داشته باشند.

روش های صرفا قهری با رویکرد مقابله ای، غالبا با رفتارهای اخلاقی تناسب ندارند به ویژه اگر درصدد اصلاح بزه کاران اخلاقی باشیم و پلیس را نیز جزئی از فرایند آن بدانیم. چرا که ارزیابی رفتارهای اخلاقی به عنوان انتخاب شخصی از سوی افراد و متأثر از نظام ارزشی آنها پررنگ است و سویه اجتماعی و قانونی آن برجسته نیست. ضمن آنکه در بسیاری از موارد این جرائم توسط افراد عادی جامعه با انگیزه های غیربزهکارانه صورت می گیرد. بنابراین به دلیل حیث متمایزی که رفتارهای اخلاقی دارند و با نظام ارزشی افراد در ارتباطند، لازم است که در نحوه برخورد با متخلفین جرائم اخلاقی تجدیدنظر صورت گیرد. فرضیه «اقناع»، عدم مواجهه درست پلیس با متخلفین و عدم موافقت کلی متخلفین با برخورد پلیس و عدم پذیرش وی برای تغییر رفتار را عامل ادامه یافتن جرم اخلاقی می داند. بر این اساس امنیت اخلاقی زمانی محقق می شود که متخلفین جرائم اخلاقی، با پلیس ارتباط برقرار کرده و مداخله و محتوای ارائه شده توسط او را

^۱ . Moral safety

بپذیرند. این پذیرش ممکن است با اقناع قلبی همراه باشد و ممکن است از سطح موافقت برای تغییر رفتار تجاوز نکند. چنانچه این فرضیه تأیید شود، نیازمند تقویت نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی- به عنوان یکی از شاخص های ارتباطی اخلاق حرفه ای پلیس- و تبیین آن برای نیروهای ویژه آن جهت بالا بردن عملکرد مؤثر آنها خواهیم بود.

این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی پیش گرفته شده و این سؤال را بررسی قرار داده است که «نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی در مواجهه با متخلفین چیست؟»

۲- پیشینه

موضوع امنیت اجتماعی و نقش پلیس در آن از موضوعاتی است که چند دهه اخیر از سوی کارشناسان امنیتی و اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است که در آن، به بعد ذهنی امنیت علاوه بر بعد عینی آن و نیز عوامل اجتماعی مؤثر در امنیت علاوه بر عوامل نظامی و سیاسی اهمیت داده می شود. (نویدینیا، ۱۳۸۳) با توجه به اینکه ارتباط اقناعی پلیس با مردم، به طور مستقیم و مستقل پیشینه نظری ندارد و تا حد زیادی به الگوی امنیت اجتماعی نزدیک می شود، لازم است که ادبیات بحث در آن حیطه جستجو شود. البته همانطور که واضح است مباحث آن اختصاصی به مسائل و جرائم اخلاقی ندارد و به طور کلی در همه بخش های فراجا و سایر نهادها جریان می یابد. همچنین ادبیات پلیس مشارکت محور یا جامعه محور و مشارکت شهروندان با پلیس در تأمین امنیت، می تواند تا حد زیادی به اقناع مرتبط باشد.

فتحی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به الزامات رفتاری فراجا در تأمین امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که مشارکت عمومی یکی از الزامات فراجا در تأمین امنیت باید باشد.

در تحقیق عسگری (۱۳۹۳) در خصوص نقش مدیریت انتظامی در مدیریت بدحجابی منطقه دو تهران این نتیجه به دست آمده است که ۴۸٪ افراد شرکت کننده در نظرسنجی تحقیق که کارکنان امنیت اخلاقی بوده اند، کنترل پدیده بدحجابی توسط مدیریت انتظامی را تا حدی موفق و ۴۴٪ ناموفق دانسته اند. همچنین طبق این پژوهش، تأثیر اقدامات ایجابی در کنترل این پدیده به میزان ۷/۰۴٪ بیشتر از اقدامات سلبی است.

مفهوم دیگری که در ادبیات پلیسی شاهد هستیم، «پلیس فرهنگی» و «فرهنگ پلیس» است. پلیس فرهنگی به پلیسی اشاره دارد که ضمن شناخت ارزش ها، هنجارها و مسائل فرهنگی جامعه، خود نمونه کاملی از شهروند قانون مدار است که در رفتار و اقدامات خود رفتارهای فرهنگی مناسب را بروز می دهد و در برخورد با مراجعان و مردم تلاش می کند تا مسائل فرهنگی را به نحو مقتضی

رعایت کند. (شاه مرادی، ۱۳۹۸، شاه مرادی (۱۳۹۸)ب) در پژوهشی دیگر، ۱۶ شاخص را برای فرهنگ پلیسی تعیین کرده است که از آنها می توان به برخورد مناسب با مردم و حفظ کرامت انسانی آنها، احترام به هنجارها و بایده‌نابایدهای فرهنگی جامعه، آگاهی و استفاده از مسائل روانشناسی در برخورد و تعامل با مردم، برخورداری از فن بیان مناسب و مهارت گفتگو، برخورداری از اقتدار توأم با احترام اشاره کرد. ملکی و رفیعی (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود به ویژگی های اجتماعی پلیس مسلمان پرداخته و به ۱۸ ویژگی رسیده اند. زارعی و مرادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود در زمینه بررسی منزلت اجتماعی و فرهنگی پلیس در تبیین رفتار پلیس با شهروندان نشان دادند رمز موفقیت پلیس در کاهش جرائم و ارتقای سطح مشارکت مردم در برخورد مناسب با شهروندان است و پلیس می تواند با نظم صحیح، نزاکت و رفتار خردمندانه اش در تقویت فرهنگ خودکنترلی مردم نقش داشته باشد. همچنین عشرتی پور (۱۳۹۵) در تحلیل مردم شناختی رفتار فرهنگی پلیس با مردم تبیین کرد که پلیس باید از یک نهاد مبارزه محور و جدا از مردم به نهادی آموزش محور و پیشگیری محور و برخاسته از مردم تبدیل شود. در راستای این ادبیات رفتاری، مرادی (۱۳۹۸) به مؤلفه تصمیم گیری حکیمانه و نقش کنترل خشم پلیس در آن پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که تصمیم گیری حکیمانه بر عملکرد کاری افسران پلیس تأثیرگذار است. در پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۹) و وروایی و چراغ آبادی (۱۳۹۵) نیز تأکید شده است که چنانچه پلیس از دانش و مهارت مرتبط در حوزه های ارتباطی برخوردار باشد، می تواند برای جلب مشارکت و همکاری ارکان جامعه ارتباط مؤثر و سازنده برقرار نماید. همچنین توجه پلیس به خواسته های مردم در تأمین امنیت موجب می شود تا مردم پلیس را از خود و در خدمت خود دانسته و برای تأمین امنیت مشارکت نمایند. در پژوهش دیگری از سوی پاکدل و همکاران (۱۴۰۱) این نتیجه به دست آمده است که بین ادبیات رفتاری پلیس با اعتماد عمومی، مشارکت عمومی، احساس امنیت، آرامش اجتماعی و رضایت عمومی رابطه معنادار وجود دارد.

پژوهش حاضر از آن جهت که بر عنصر اقناع مخاطب تمرکز دارد، تعامل پلیس با مردم را مدنظر قرار داده و از آن جهت متمایز است که تلاش می کند آن تعامل را به صورت روشی و اثربخش توضیح دهد. همچنین اقدامات کیفی پلیس در مواجهه با متخلفین را کارآمد سازد به گونه ای که امنیت اجتماعی کشور بالا رود.

۳- روش

تحقیق حاضر بر اساس هدف آن، از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می شود.

بر حسب روش، یک تحقیق کیفی و پیمایشی است؛ پیمایش، مجموعه ای از روش های منظم و استاندارد است که برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه ها، باورها، نظرات، رفتارها یا

مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری به کار می رود. این تحقیق از نوع پیمایش های توصیفی است؛ که توصیفی از نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی ارائه می دهد.

همچنین بر اساس نوع اطلاعاتی که گردآوری می کند، از نوع تحقیقات اسنادی است که اطلاعاتش به روش کتابخانه ای و مصاحبه جمع آوری شد. بر این اساس، گروه نخبگان جامعه را یکی از کانال های جستجوی اطلاعات قرار داده و با روش «مصاحبه نیمه ساختاری»، نظر آنها را در خصوص امنیت اخلاقی و اقناع پلیس جویا شده ایم. نمونه پژوهش، جزء صاحب نظران و کارشناسان اخلاقی و اجتماعی، اساتید و نخبگان علمی اند. همچنین در دسترس بودن و تمایل به همکاری در پژوهش نیز در انتخاب نمونه مدنظر بوده است. نمونه گیری تا حد دسترسی و محدودیت زمانی پژوهش ادامه یافت، که در نهایت ۲۸ مخاطب مصاحبه شونده از اساتید اخلاق و ارتباطات و معارف، با روش نمونه گیری هدفمند و در دسترس بررسی شدند.

تحقیق حاضر از نظر روش تحلیل اطلاعات، جزء تحقیقات «تحلیل محتوا» و «رویکرد زمینه ای» به شمار می رود؛ که اطلاعات جمع آوری شده از متون را به روش تحلیل محتوا و اطلاعات جمع آوری شده از مصاحبه ها را به روش زمینه ای طی سه مرحله کدگذاری تجزیه و تحلیل می کند.

۴- یافته ها

الف) یافته های توصیفی:

جدول ۱: اطلاعات توصیفی مصاحبه شوندگان

تعداد کدهای استخراجی	تحصیلات	جنسیت	فراوانی	
۱۲۳	دکترای مدرسی اخلاق	مرد	۱۰	
۷۵	دکتری فلسفه اخلاق	مرد	۵	
۴۲	ارشد فلسفه اخلاق	زن	۲	
۳۰	دکتری ارتباطات	مرد	۲	
۴۹	دکتری الهیات و معارف	مرد	۴	
۶۵	سطح چهار حوزه	مرد	۵	
۳۸۴			۲۸	مجموع

آن گونه که در جدول توصیفی نمونه های تحقیق، مشاهده می شود، کارشناسان به جز دو نفر، دارای مدرک تحصیلی دکترا یا سطح چهار حوزه می باشند. همچنین همگی به جز دو نفر دارای جنسیت مرد هستند.

مجموع کدهای استخراجی از مصاحبه ها، ۳۸۴ کد می باشد که بیشترین تعداد و کد استخراجی با ۱۰ نفر و ۱۲۳ کد، مربوط به کارشناسان دارای دکتری مدرسی اخلاق، و کمترین تعداد و کد با ۲ نفر و ۳۰ کد، مربوط به کارشناسان دارای دکتری ارتباطات است.

ب) یافته های تحلیلی:

پس از گردآوری مصاحبه ها و تجمیع آنها با استفاده از روش کدگذاری در سه مرحله کدگذاری به شناسایی، تخلیص و طبقه بندی مؤلفه ها اقدام شد. در این مرحله، ۳۸۴ کد استخراج گردید که ۲۵۵ کد آن عینا تکراری و ۱۲۹ کد باقیمانده به عنوان کد اولیه شناسایی شد. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم بدست آمده از مرحله اول، به صورت ۵ مقوله تفکیک و مرتب شدند. در مرحله نهایی یعنی کدگذاری انتخابی، از مقولات پنج گانه، مقوله مرکزی «اقناعگری پلیس» یا «پلیس اقناعگر» استنتاج گردید. مقولات مزبور در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: ابعاد پنجگانه مدل نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی (پلیس اقناعگر)

در هر یک از مقولات، زیرمقولات نیز شناسایی گردید که در مجموع ۲۱ زیرمقوله است؛ به ترتیب، بعد مؤلفه های اقناعگری دارای ۳ مؤلفه بینشی و شناختی، خلقی و منشی، رفتاری است. بعد منابع اقناعگری شامل ۳ دسته منابع انتظامی، محلی و مدنی است. بعد زمینه های اقناعگری شامل ۳ زمینه ارتباط یاری رسان، آموزش آگاهی رسان، مداخلات محیطی است. بعد راهکارهای اقناعگری شامل راهکار مدیریت حلقه ای است که از ۴ حلقه فرماندهی انتظامی، ارتباط ارگانی، ارتباط مردمی و تأمین بالینی تشکیل می شود. نهایتاً بعد چالش های اقناعگری، ۸ چالش مانع نگرشی،

مانع درون سازمانی، چالش چندارگانی و تعارض ارگانی، چالش سرمایه اجتماعی و کاهش مشارکت مردمی، چالش پیشینه سوء و انحصار در حجاب، عدم امکان مواجهه پلیس با خاطیان، ابهام قانونی، چالش های کلان کشوری. برخی از این زیرمقولات، شامل زیرمجموعه هایی دیگر نیز می شود. مجموع زیرمقولات و مفاهیم زیرمجموعه آنها در ادامه توضیح داده خواهد شد:

۵- مؤلفه های اقناعگری

اولین بعد از مدل اقناعگری فراجا در مواجهه با متخلفان، عبارت است از «مؤلفه های اقناعگری». مؤلفه ها، همان عناصر و اجزاء تشکیل دهنده اقناعگری می باشند. طبق تحلیل اطلاعات تحقیق، سه دسته مؤلفه را می توان در این زمینه شناسایی کرد: الف) مؤلفه های بینشی و شناختی. ب) مؤلفه های خلقی و منشی. ج) مؤلفه های رفتاری. در ادامه هر یک از این مؤلفه ها توضیح داده می شود:

۵-۱- مؤلفه بینشی و شناختی

مهارت های پلیس اقناعگر در ساحت بینش و شناخت:

درک اطلاعاتی: یک توانمندی شناختی به معنای درک اطلاعات ارائه شده از طریق گفتار مخاطب و تحلیل آنها است که در صورت عدم آن، فرد از ارتباط برقرار کردن ناتوان می شود و مفاهمه ای بین پلیس و مخاطب صورت نمی گیرد.

خردمندی: تفکر درست در امور و مهارت تدبیر به مثابه عملیات شناختی؛ یعنی یافتن راهکار و روش کار.

دانش فرهنگی: عبارت است از میزان شناخت و سطح اطلاعات درباره فرهنگ های دیگر و هنجارهای آنها. با توجه به تفاوت فرهنگی بزهکاران و مجرمان جرائم اخلاقی، لازم است که از فرهنگ و هنجارهای آنها و نظام ارزشی آنها شناخت کافی بدست آید.

هوش فرهنگی ۱: توانایی و قابلیت یک فرد در برقراری تعامل موثر با افرادی که از نظر فرهنگی با او متفاوت هستند. (p. ۸۰۶، ۲۰۰۶، Thomas). هوش فرهنگی، متوقف بر دانش فرهنگی است که لازم است پلیس در برخورد با مجرمان به آن مجهز باشد.

بیش اخلاقی: پلیس، افرادی که مرتکب جرائم اخلاقی شده اند را به عنوان «خاطی» ببیند نه به عنوان «مجرم». هر چند نگرش مجرمانه داشتن غلط نیست، اما نگرش خاطیانه داشتن به فرایند اقناع نزدیک تر است.

۵-۲- مؤلفه خلقی و منشی

مهارت های پلیس اقناعگر در ساحت خلق و منش:

اقتدار: پلیس مقتدر در عین آنکه سلطه نظامی و سیاسی و اجتماعی (قدرت سخت) دارد، امتیازات و خصائصی دارد که او را بالاتر یا نافذتر از مخاطب قرار می دهد. به این قدرتمندی، قدرت نرم گفته می شود. قدرت نرم یعنی جذب بر خلاف قدرت سخت که یعنی اجبار (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۲)

مهرورزی: پلیس مهربان، دارای منش مهرورزی و سه خلق نودوستی، دلسوزی و نیکوکاری است. بر این اساس، احساسات مثبت او نسبت به خاطیان و مخاطبان، بر احساسات منفی او از وقوع جرم غلبه می کند.

انصاف: پلیس منصف کسی است که در مواجهات خود به حقوق مخاطب توجه کرده و آن ها را در تصمیم و رفتار خود رعایت می نماید. در نتیجه زمینه برطرف شدن تفاوت، تنش و فاصله نظری و عملی را فراهم می آورد.

مؤلفه رفتاری

مهارت های پلیس اقناعگر در ساحت رفتار:

حضور: حضور در صحنه، به خودی خود می تواند مخاطبان بسیاری را نسبت به عدم ارتکاب جرم مجاب کند. این حضور، شامل گشت های مستقر و گشت های سیار (پیاده و سواره) می شود. تحقیقات ثابت کرده است گشت های امنیت اخلاقی از جمله عوامل موثر در جامعه برای کنترل جرایم علیه اخلاق، بر مبنای اصول پیشگیرانه است. (رزمی و همکاران، ۱۳۹۵)

مذاکره: توانایی صحبت کردن و انتقال اطلاعات و تصمیمات در صحبت کردن به طوری که دیگران متوجه شوند. همچنین مهارت بیان نوشتاری در صورت لزوم؛ توانایی انتقال اطلاعات و ایده ها به صورت نوشتاری تا دیگران متوجه شوند.

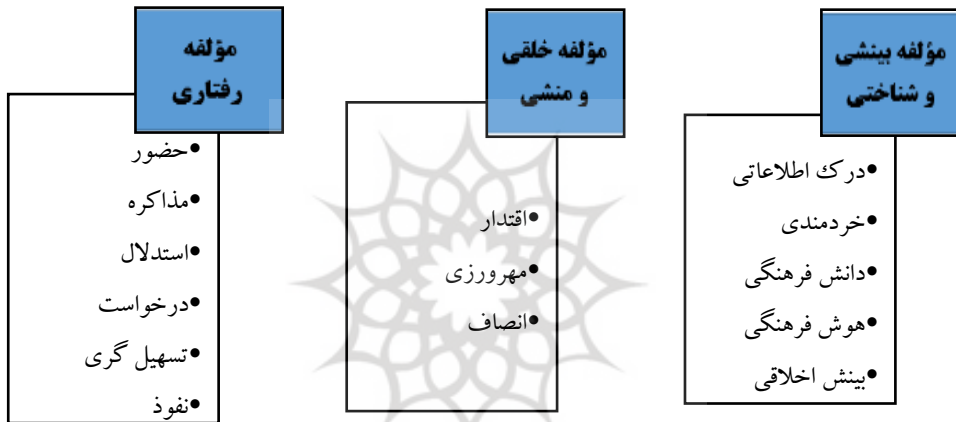
استدلال: اقناع، پذیرش است و پذیرش نیازمند مداخله در افکار و باورهاست. بهترین ابزار مداخله، استدلال است. پلیس اقناعگر، توانایی استدلال قیاسی و استقرایی؛ تولید پاسخ های منطقی و اثبات قواعد و قوانین با استفاده از شواهد مستند و دقیق را دارد.

درخواست: پس از مذاکره و استدلال، اقناع نیازمند درخواست است؛ درخواست مأمور از مخاطب شامل موارد زیادی است که به تناسب موقعیت ابراز می شود.

تسهیل گری: تسهیل گری به معنای فراهم کردن بسترهای ارتباط، میانجی گری، فرصت دادن و صبر کردن برای مداخلات محلی و مشارکت آنها است.

نفوذ: اعمال فشار به مخاطب با استفاده از ابزارهای قدرت نرم، در این مؤلفه، پلیس متقاعدگر، با پیگیری و قاطعیت و بهره برداری از ابزارهای متقاعدگرانه محیط، فرد را وادار به پذیرش فرمان خود می کند.

مؤلفه های سه گانه فوق با زیرمجموعه آنها (مهارت ها) در شکل ۲ نشان داده شده است:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 شکل ۲: مؤلفه های اقناعگری و مهارت ها

۶- منابع اقناعگری

اغلب نظریه های اقناع، به ویژه نظریه های سنتی، فرایند اقناع و متقاعدسازی را از «منبع فرستنده پیام» آغاز می کنند (حکیم آرا، ۱۳۸۴) منبع پیام در بحث تحقیق حاضر، کسانی اند که در فرایند اقناع نقش آفرینی می کنند. منبع اقناعگر، کسی است که با مؤلفه های اقناعگری، مخاطبان (خاطبان) را به عدم ارتکاب جرم متقاعد می کند.

با این تعریف، دست کم سه دسته منبع اقناعگر را می توان شناسایی کرد: «منابع انتظامی»، «منابع محلی» و «منابع مدنی».

منابع انتظامی شامل مأمور پلیس که پلیس در دسترس است و به صورت میدانی کار می کند و بخش های دیگر پلیس که به صورت غیرمیدانی فعالیت می کنند مانند پلیس آموزشگر، پلیس رسانه.

منابع محلی شامل رابط یا نگهبان محل، نافذان محل، سرمایه های اجتماعی محل، خانواده ها می شود.

منابع مدنی شامل افراد و سازمان های دولتی یا مردم نهاد که در زمینه اقناع افکار مخاطبان نسبت به رعایت هنجارها فعالیت می کنند.

۷- زمینه های اقناعگری

بخش عمده ای از کدهای تحقیق، به مواردی اشاره داشتند که ناظر به خود اقناع نیست بلکه ناظر به زمینه های آن است. منظور از زمینه های اقناعگری، بسترها و شرایطی است که به شکل گیری اقناع کمک می کند و در حیطه اختیار پلیس است. سه زمینه شناسایی شده عبارتند از:

۱. **ارتباط یاری رسان:** «ارتباط یاریگرانه»، اصلی ترین محور منش هدایتگر اخلاقی متقاعدکننده است که در آیه امر به معروف در قرآن آمده است.^۱ (سیدقزیشی و عمادی، ۱۴۰۰) بنابراین، کمک پلیس اقناعگر و نیروهای حافظ امنیت به جامعه اخلاقی، مبتنی بر «ارتباط یاری رسانی» است که بین فراجا و مردم شکل می گیرد.

۲. **آموزش آگاهی رسان:** فراجا در راستای مأموریت پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی، بخشی از آموزش های ناظر به زمینه فکری جرم را بر عهده می گیرد. پیش فرض زمینه «آموزش آگاهی رسان» آن است که چنانچه ناهنجاری های حوزه بینش افراد (عقلی) اصلاح شود، ناهنجارهای حوزه گرایش آنها (غضبی و شهوتی) نیز اصلاح می شود.

۳. **مداخلات محیطی:** امنیت اخلاقی بر پایه سلامت محیط استوار است و سلامت محیط متوقف بر مداخلات محیطی است. میزان وجود مساجد و کیفیت آن، برجسته سازی افراد و خانواده های اخلاق مدار در محیط، شناسایی امکانات و سرمایه های فرهنگی محیط، افزایش سرانه ورزشی، هنری و فنی در محیط، استقرار پلیس محله، اعزام نیروهای گشتی به طور مداوم، نمونه هایی از این مداخلات می باشد.

۸- راه کارهای اقناعگری

راهکارهایی که با استفاده از کدهای باز و ریزمقوله ها تحت مقوله «راه کارهای اقناعگری» قرار داده ایم، در مقوله «مدیریت حلقه ای» جای می گیرد که می توان آن را به عنوان اصلی ترین راهکار اقناعگری پلیس منظور کرد؛

در مدیریت حلقه ای، دستورات بیش از آنکه از بالا به پایین منتقل شوند، در سطح و به صورت شبکه ای سیال منتقل می شوند و حاصل تصمیمات جمعی هستند. پلیس اگر چه به لحاظ موقعیتی حاکم بر شخص خاطی و همه کسانی است که در صحنه بزه یا جرم حضور دارند، حاکم است و به عنوان مدیر صحنه شناخته می شود، اما این مدیریت باید در مدل مشارکت گرا قرار بگیرد نه مدل اقتدارگرا؛ در مدل اقتدارگرا، مدیریت و رهبری در نوک هرم ساختاری قرار دارد اما در مدل مشارکت گرا، مدیریت و رهبری در مرکز حلقه است که زیرمجموعه های ساختار خود را هم سطح و در تعامل با خود می بینند.

مدیریت حلقه ای، شامل چهار حلقه فرماندهی انتظامی، ارتباط ارگانی، ارتباط مردمی و تأمین بالینی می شود که در شکل ۳ نمایش داده شده است:



شکل ۳: مدل مدیریت حلقه ای در تأمین امنیت اخلاقی (فرهنگی) توسط پلیس اقناعگر

۸-۱- حلقه نخست: فرماندهی انتظامی

نخستین حلقه در تأمین امنیت اخلاقی، فرماندهی انتظامی در سطح کلان فراجا می باشد. تبعاً نمی توان مدیریت پلیس امنیت اخلاقی را از مدیریت کلان فراجا جدا دانست تا ناهماهنگی در مدیریت ها پیش نیاید.

۸-۲- حلقه دوم: ارتباط ارگانی

اولین سطح مشارکت پلیس، مشارکت با ارگان های همکار و همسو در هدف امنیت اخلاقی است مانند معاونت اجتماعی فراجا، سازمان عقیدتی سیاسی فراجا، نیروهای مسلح و پایگاه مقاومت بسیج، معاونت پیشگیری استانداری ها، ستاد پیشگیری قوه قضاییه، حوزه علمیه، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

ارتباط ارگانی در بالاترین سطح آن، تأمین نیروهای امنیت اخلاقی به صورت مشترک از سایر ارگان ها می باشد. همانگونه که به عنوان مثال تاکنون از نیروهای بسیج به این منظور استفاده شده است.

۸-۳- حلقه سوم: ارتباط مردمی

امنیت اخلاقی مقوله ای مبتنی بر وفاق و همبستگی ارگانیک جامعه است که بر اثر بالا رفتن فرهنگ و قدرت مفاهمه به وجود می آید. پلیس نیز بخشی از این وظیفه را بر عهده دارد که مشارکت و ارتباطات مردمی را افزایش دهد.

ارتباط مردمی پلیس، شامل پنج دسته ارتباط می شود:

- ۱) تقویت گروه های اجتماعی و تقویت آنها، مثلاً تقویت «خیرین امنیت ساز»
- ۲) ارتباط با بدنه مردم و تقویت اعتماد اجتماعی، از طریق نظارت بر تعاملات روزمره و کنترل هر گونه مناسباتی که به نحوی با اعتماد عمومی ارتباط دارد.
- ۳) حضور فعال و مستمر پلیس در اجتماعات و مجامع مختلف مانند مدارس، مساجد، ارگان ها و نهادها
- ۴) ارتباط با نیروهای مرجع مانند مشاهیر، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان، اصحاب رسانه و فرهنگ.
- ۵) ارتباط با رسانه های مردمی مانند حضور فعال پلیس در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی

حلقه مردمی و حلقه ارگانی، حلقه پیش تر از مأمور است که مأمور به تناسب می تواند از آنها استفاده اقماعی کند. از آنجا که اغلب مردم نمی دانند که در برابر جرم اخلاقی، چگونه نقش مشارکتی داشته باشند، هماهنگی پلیس با آنها این نقش را روشن می کند. نمونه پرکاربرد استفاده از حلقه مردمی، استفاده از خانواده هاست؛ باید استفاده نیروهای انتظامی از خانواده متخلف، استفاده اقماعی باشد. یعنی در فرایند اقماع خاطی عنصر اثربخش و مثبتی باشد.

۸-۴- حلقه چهارم: تأمین بالینی

مأمور مقابله با مجرم، پس از حضور در صحنه یا مواجهه با آن، باید فرایند متقاعدسازی را برای تسلیم یا تمکین آغاز کند. در این فرایند، مأمور به عنوان کسی که بر بالین خاطی یا کنار او حاضر شده، در جریان مشکل او قرار گرفته و او را به سمت مسیر بهبودی و سلامت هدایت می کند. بنابراین منظور از تأمین بالینی^۱، اقدامات تأمینی سر صحنه وقوع جرم برای تمکین یا تسلیم خاطی به تغییر رفتار یا طی مراحل تغییر رفتار است.

در ادامه به برخی اقدامات و الزامات تأمین بالینی که از اطلاعات مصاحبه ها بدست آمده است اشاره می شود:

۱. مخاطب شناسی: شناخت ویژگی های شخصیتی و اخلاقی متخلفان، با جستجو از حاضرین و خانواده خاطی
۲. بیگانه پذیری: پذیرش طرد شدگان و تغییر فضای گریز و مخفی کاری خاطی
۳. پرهیز اولیه از اقتدارنمایی و اجبار: در صحنه مواجهه با خاطی، ورود اولیه همراه با اقتدار و اجبارکردن، باب اقماع را می بندد. ولی پس از گفتگو و برقراری ارتباط، پلیس می تواند از عنصر اقتدار و اجبار بدون خشونت استفاده کند.
۴. هماهنگی با حلقه های پیشینی و استفاده اقماعی از آنها (در بخش حلقه ارگانی و مردمی)
۵. اقدامات تربیتی: معرفی به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، فرستادن به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل و حرفه آموزی، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر با اشخاص به تشخیص دادگاه، جلوگیری از رفت و آمد به محل های معین، بخشی از اقدامات تربیتی است. (قانون مجازات اسلامی، فصل

۱. الهام از تقسیمات جرم شناسی به شاخه های عمومی، اختصاصی و بالینی (نک: مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۱۲۲-۱۳۹)

۱۰) علاوه بر آنکه وضعیت مطلوب آن است که در تأمین بالینی، خود مأمور پلیس اقناعگر نیز نقش تربیت کننده را ایفا کند یا آنکه در تیم اعزام به صحنه جرم، یک روان شناس یا آسیب شناس نیز حضور داشته باشد.

۶. اقناع کلامی: بخشی از راه کارها مربوط به سخن دانی مأمور و اقناع کلامی است که از اطلاعات تحقیق برداشت می شود: مانند همسان سازی تحولی (مأمور اقناعگر، محتوای قابل عرضه خود را با سطح تحولی مخاطب همسان کند و متناسب با آن عرضه نماید. نه آنکه محتوای قابل فهم در سطح تحولی خود را به او عرضه کند)، استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی، استدلالی است که ناظر به فلسفه جرم و ارتباط آن با نظام ارزشی و هنجاری مجرم است.)، لحن اقناعگر (لحن دستوری، توصیه ای و تمناپی)، موازنه هشدار و نوید (استفاده از پیام های ترسناک و امیدبخش)

۹- چالش ها و موانع اقناعگری

پنجمین بعد از ابعاد مدل اقناعگری در پلیس امنیت اخلاقی، چالش ها و موانع اقناعگری است که کارشناسان تحقیق، ۸ دسته چالش/موانع را تعیین کردند:

۹-۱- موانع نگرشی

نگرش به پلیس به عنوان یک نیروی اقناعگر، نگرش فراگیر و جاافتاده ای نیست. بسیاری از مردم و مسئولان حکومتی، معتقدند اقناع، کار پلیس نیست و پلیس باید به پاکسازی جامعه از عناصر مفسد و برخورد قاطع با آنها بپردازد. متقابلاً نگرش جرم زدایی از جرائم اخلاقی با برجسته سازی بعد فرهنگی و اخلاقی آنها، نگرش دیگری است که رایج است و باعث می شود موانع ورود پلیس به عرصه اقناع شود. آنها می گویند رفتارهای ناهنجار اخلاقی از مقوله فرهنگ است نه مقوله جرم، لذا برخورد با آن باید فرهنگی باشد نه حقوقی و انتظامی.

۹-۲- موانع درون سازمانی

تحقق مطلوب امنیت اخلاقی نیازمند سازمان گسترده با نیروهای انسانی متخصص می باشد. این مطلوب، با وضعیت کنونی فاصله دارد و اقناع از درون خود فراجا دچار مشکل می شود. ساختار فعلی فراجا در برخی استان ها اجازه تغییر رویه و روش را نمی دهد به گونه ای که مشارکت سازمان ها و مردم را جلب کند و بپذیرد.

۹-۳- چالش چندارگانی

چالش چندارگانی و تعارض ارگانی در مسائل فرهنگی، امروزه به صورت یک مانع برای تأمین امنیت اخلاقی درآمده است. اگر اقتناع و وظیفه نهادهای فرهنگی تلقی شود و وظیفه پلیس، کار انتظامی و برخورد با متخلفان باشد، نتیجه عملی آن، افزایش جرائم خواهد بود نه کاهش آن. این امر مستدعی آن است که چالش چندارگانی را به یک ارگان چندگانه تبدیل کنیم تا اتحاد و وظائف و هماهنگی بین بخش های مختلف را بتوان محقق کرد.

۹-۴- چالش سرمایه اجتماعی

پلیس جامعه محور برای جلب مشارکت مردم، حلقه ارتباط با مردم را باید پررنگ کند. این در حالی است که شواهد حکایت از آن دارند که سرمایه اجتماعی پلیس امنیت اخلاقی، وضعیت مطلوبی ندارد و پلیس، در خدمت حاکمیت دانسته می شود. این امر نگرانی از تبعات همکاری با پلیس را افزایش می دهد. همچنین فضای کاهش سرمایه های اجتماعی باعث می شود مدیریت حلقه ای پلیس امنیت اخلاقی به درستی شکل نگیرد و نهادهای مدنی با پلیس همکاری نکنند.

۹-۵- انحصار پلیس امنیت اخلاقی در مقابله با بی حجابی

نهاد پلیس امنیت اخلاقی از ابتدای شکل گیری تا کنون، بیشترین مسأله ای که مدنظر داشته است، مقابله با بدحجابی و بی حجابی بوده. این امر باعث شده است که اساساً این اصطلاح، عنوان و تشکیلات آن با موضوع بی حجابی مترادف شوند؛ به گونه ای که در افکار عمومی با آن شناخته شود. علاوه بر آنکه حواشی و جنجال هایی که بر طرح گشت ارشاد وارد شد، باعث ایجاد سابقه ناموفق از آن شده است که غلبه بر آن یا رفع آن، نیازمند شکل گیری ساختاری نو با مأموریت هایی گسترده تر از بی حجابی است.

۹-۶- عدم امکان مواجهه و شکل گیری ارتباط در جرائم

بین پلیس و افراد و گروه هایی که مرتکب انحراف یا جرم اخلاقی می شوند، نسبت تقابل برقرار است. بنابراین در حالت طبیعی بین آنها ارتباطی شکل نمی گیرد و مواجهه آنها با یکدیگر مواجهه خصمانه و تنش آمیز خواهد بود.

گاهی نیز در وضعیت کنونی به دلیل هوشمندسازی، اصلاً مواجهه ای صورت نمی گیرد مثل جرائم خودرویی که پیامک ارسال می شود یا گزارش هایی که بدون مواجهه جمع آوری شده و مبنا قرار می گیرد.

۹-۷- ابهام قانونی

عدم اطلاع عمومی از حقوق و قوانین مربوط به اخلاقیات، یکی از موانع امنیت اخلاقی در کشور است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات و دادرسی بیان می کند که آحاد جامعه از ممنوعیت‌هایی که قانون‌گذار به‌عنوان نماینده جامعه تعیین کرده باید مطلع باشند. این در حالی است که جرائم اخلاقی در آموزش‌ها و آگاهی‌های عمومی بسیار کم‌رنگ است و پلیس به‌صیغه فرهنگی و دینی آنها در بین مردم اکتفا نموده است. این باعث می‌شود مردم به‌جنبه قانونی بودن آن توجه نداشته باشند.

۹-۸- چالش‌های کلان کشوری

چالش‌های اقتصادی، چالش‌های سیاسی، چالش‌های عدالت اجتماعی و تبعیض در مزایا و حقوق اجتماعی، عمده‌ترین چالش‌هایی است که رسیدگی به امنیت اخلاقی را دشوار می‌سازد. در این وضعیت امنیت اخلاقی از اولویت‌های مردم خارج شده و در برابر پلیس امنیت اخلاقی مقاومت می‌کنند.

برخی نیز چالش‌های فرهنگی را برجسته می‌کنند و می‌گویند: تا فرهنگ یک جامعه اصلاح و درمان نشود و براساس یک برنامه ریزی دقیق و کارآمد ارتقا پیدا نکند، تمرکز بر یک بخشی از جامعه و ایجاد یک سری گشت‌های امنیت اخلاقی نه تنها راه حل نیست بلکه برعکس یک پاسخ معکوس به دنبال دارد.

برخی، به زیرساخت‌های توسعه در کشور اشاره دارند و با ارتباط برقرار کردن بین توسعه و امنیت اخلاقی، بیان می‌کنند توسعه سرمایه‌داری در ایران و توسعه ناموزون باعث بی‌ثباتی امنیتی و اجتماعی در ایران شده است.

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر در طی تحولات جمهوری اسلامی ایران، مدل‌های مختلفی از پلیس را شاهد بوده‌ایم. پژوهش حاضر، یک مدل را به‌عنوان پلیس اقناعگر یا پلیس اقناعی، در عرصه مواجهه با جرائم اخلاقی به بحث گذاشته است.

مدل اقناعگری در مواجهات پلیس امنیت اخلاقی را می‌توان با نظریات پلیس اجتماعی، پلیس فرهنگی و فرهنگ پلیس تطبیق داد. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، یافته‌های تحقیق حاضر را تأیید می‌کنند؛ از جمله تحقیق شاه مرادی (۱۳۹۸) که ۱۶ شاخص را برای فرهنگ پلیسی تعیین کرده است که از آنها می‌توان به برخورد مناسب با مردم و حفظ کرامت

انسانی آنها، احترام به هنجارها و بایدونباید‌های فرهنگی جامعه، آگاهی و استفاده از مسائل روانشناسی در برخورد و تعامل با مردم، برخورداری از فن بیان مناسب و مهارت گفتگو، برخورداری از اقتدار توأم با احترام اشاره کرد. همچنین زارعی و مرادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود در زمینه بررسی منزلت اجتماعی و فرهنگی پلیس در تبیین رفتار پلیس با شهروندان نشان دادند رمز موفقیت پلیس در کاهش جرائم و ارتقای سطح مشارکت مردم در برخورد مناسب با شهروندان است و پلیس می‌تواند با نظم صحیح، نزاکت و رفتار خردمندانه اش در تقویت فرهنگ خودکنترلی مردم نقش داشته باشد. همچنین عشرتی پور (۱۳۹۵) در تحلیل مردم شناختی رفتار فرهنگی پلیس با مردم تبیین کرد که پلیس باید از یک نهاد مبارزه محور و جدا از مردم به نهادی آموزش محور و پیشگیری محور و برخاسته از مردم تبدیل شود. در پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۹) و وروایی و چراغ آبادی (۱۳۹۵) نیز تأکید شده است که چنانچه پلیس از دانش و مهارت مرتبط در حوزه های اجتماعی و ارتباطی برخوردار باشد، می‌تواند برای جلب مشارکت و همکاری ارکان جامعه ارتباط مؤثر و سازنده برقرار نماید.

بخشی از این ارتباطات، ارتباطات در رسانه های جمعی برای آموزش های آگاهی رسان است که در زمینه های اقماعگری به آن اشاره شد. مطالعات نشان داده است که همکاری پلیس و رسانه های جمعی در آگاهی بخشی و جلب مشارکت مردم نقش داشته است. (قربانیان و فتحی، ۱۴۰۱) همچنین تجارب نشان می‌دهد افزایش سطح آگاهی های عمومی و ارتقاء سواد زندگی در مردم، در کاهش جرم تأثیر مستقیم دارد. (جوانمرد و بهبودی، ۱۳۹۶) چرا که بین سطح سواد و دانش افراد با بزهکاری آنان ارتباط وجود دارد. (همتی و همکاران، ۱۳۹۵)

همانطور که تحقیقات مزبور گویاست، امروزه با مطرح شدن مفهوم پلیس جامعه محور و امنیت اجتماعی، کارآمدی فراجا ناشی از ارتباط و کنش متقابل با جامعه است؛ بر این اساس، صاحب نظران حوزه های علوم اجتماعی و امنیتی معتقدند که فراجا نیازمند سرمایه اجتماعی است. این سرمایه به مثابه سیمان و ملاتی است که به حفظ وفاق و انسجام جوامع کمک می‌کند و نقش مهم و درخور توجهی در فراهم سازی امنیت و انتظام اجتماعی دارد؛ زیرا سرمایه اجتماعی در مقیاس های فردی، میانی و کلان، ابزار مناسبی برای اجتناب و ممانعت از گسست و ناامنی اجتماعی در جوامع پرمخاطره امروزمی باشد و سازوکار مؤثری در اختیار فراجا برای پیشگیری و مقابله با جرایم قرار می‌دهد. (سهرابی و رهبر، ۱۳۹۴، میرسندسی، ۱۳۹۱) فرهنگ و رفتار حرفه ای پلیس و تعامل پلیس با مردم، نیز امری است که مسئولیت اجتماعی نیروی انتظامی بر آن تأکید می‌کند.

اما نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که اقناعگری در امنیت اخلاقی، امری فراتر از فرهنگ پلیسی در امنیت اجتماعی است؛ اقناعگری به فرایند نفوذ در مجرم اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد ضروری است، راهبردهای مشارکت جویانه و تعاملی پلیس پس از حدود ۲۰ سال که از طرح پلیس جامعه محور در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، عملاً در قالب پلیس اقناعگر در بیاید تا نتایج عملی داشته باشد. همانطور که تحقیقات آن حوزه نیز نشان داده اند که باید ساختار پلیس تغییر یافته و از نو سازماندهی شود. قهرمانی و ابطحی (۱۳۸۸) نشان می‌دهند حرفه ای بودن پلیس، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، مسئله محوری، انتظار حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی و سبک رهبری پلیس بیشترین تأثیر بر رویکرد پلیس جامعه محور را دارد و باید برنامه ریزی ها، سیاست ها و تصمیم گیری های حوزه مأموریتی (فراجا) بر اساس این مؤلفه ها شکل بگیرد. احمدی مقدم (۱۳۹۸) نیز در شناسایی عوامل حیاتی موفقیت ناجا تا پایان سند چشم انداز ۱۴۰۴ و ارائه الگوی مدیریت راهبردی، «تعامل با ارکان امنیت ساز» و «جلب مشارکت های مردمی» را به عنوان دو عامل برون سازمانی موفقیت فراجا عنوان کرده اند. این دو یافته همسو با ارتباط ارگانی و ارتباط مردمی است که در تحقیق حاضر به عنوان دو راهکار در حلقه های میانی مدیریت حلقه ای پلیس اقناعگر در مقابله با جرائم مورد تأکید قرار گرفت.

فراجا با وضعیت و ساختار کنونی، به اهداف تعالی مدارانه و ترقی جویانه ای نظر دارد و در تلاش است همسو با این راهبرد، پلیس اقناعگر در عرصه امنیت اخلاقی ضرورت و جایگاه پیدا می‌کند. اما بنیادی ترین منبع اقناع گری، بازساخت پلیس امنیت اخلاقی به صورت پلیس تخصصی در فراجا. سازمانی فراقوه ای با نیروی مجهز و خبیره و متخصص، با ساختار گسترده تر از وضعیت کنونی، مجهز به ابزارهای قدرت نرم. در حال حاضر، ساز و کار و منابع و اعتبارات کافی برای این بخش در نظر گرفته نشده و سهم محدودی از نیروی انتظامی به آن اختصاص یافته است. در حالی که اهداف امنیت اخلاقی مقتضی است که پلیس امنیت اخلاقی به عنوان یکی از پلیس های تخصصی، از سازمان و نیروی منسجم تر، گسترده تر و بهتری برخوردار باشد تا بتواند خود را با نیازهای جامعه و انتظارات مردم تطبیق داده و بهترین عملکرد را داشته باشد.

در راستای این هدف و به منظور رفع چالش های تحقیق به ویژه چالش ۴ و ۵، پیشنهاد می‌شود این سازمان پلیسی متخصص، تغییر نام پیدا کند و به «پلیس امنیت فرهنگی» با نشان مخفف «پافا» تغییر کند. عنوان «امنیت فرهنگی»، به همان معنای امنیت اخلاقی به کار می‌رود با این تفاوت که محور آن هنجارهای اجتماعی است که در فرهنگ کشور مقبول و پذیرفته شده است.

در خصوص تغییر نام پلیس امنیت اخلاقی به پلیس امنیت فرهنگی، می‌توان شاهی از سخنان فرماندهی کل قوا آورد که به امنیت فرهنگی اشاره می‌کنند:

یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقه‌مندند و از اینکه آن‌ها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آن‌ها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند؛ این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی^۱

با توجه به مؤلفه‌های رفتاری اقناعگری، پنج سبک را برای اقناع‌گری پلیس می‌توان در نظر گرفت:

سبک الهام بخش: حضور پلیس در محیط به گونه‌ای که افراد محیط، انگیزه‌ها و رفتارهای مثبت خود را ارائه دهند.

سبک مذاکره‌کننده: گفتگو با افراد یا گروه‌هایی که در معرض ارتکاب جرم اخلاقی یا دچار شدن به انحرافات اخلاقی اند تا تعامل و همفکری شکل بگیرد.

سبک متقاعدساز: متقاعدکردن مجرم به تغییر رفتار یا تسلیم در برابر مأمور، به گونه‌ای که در او پذیرش و موافقت به وجود بیاید.

سبک تسهیل‌گر: راهبری گروه‌ها و نیروهای مردمی همکار، به گونه‌ای که از مشارکت آنها در تأمین امنیت حمایت کند.

سبک مجبورکننده: نفوذ در متخلف یا مجرم به گونه‌ای که مجبور شود در برابر مأمور تمکین کند حتی اگر موافق نباشد. در این سبک، توسل به زور و ارباب وجود دارد اما خشونت و پرخاشگری یا توسل به ابزارهای برخورد سخت مانند تیراندازی وجود ندارد.

پلیس امنیت اخلاقی باید بتواند سبک‌های پنجگانه اقناعگری را یکپارچه ساخته تا بتواند برای دستیابی به اهداف فراجا از آنها استفاده کند. نیروی انسانی متقاعدگر، مهمترین نیاز اجرایی اقناعگری در سبک‌های پنجگانه است. این امر می‌طلبد مؤلفه‌ها و مهارت‌های اقناع‌گری به آموزش نیروهای موجود برسد و علاوه بر آن، نیروهای بیشتری جذب شود. با توجه به سبک‌های پنجگانه، در امر جذب نیروی انسانی متخصص، می‌توان ارتباط با نهادهای مردمی و سایر ارگان‌های فرهنگی مانند روان‌شناس، آسیب‌شناس، جامعه‌شناس، اخلاق‌شناس، فیلسوف، روحانی را در نظر داشت و پنج نوع نیروی انسانی را در نهاد پلیس امنیت فرهنگی سازماندهی کرد:

۱. گروه حافظان: نیروهای حافظ امنیت اخلاقی

۲. گروه فائزان: نیروهای سخنور در زمینه امنیت اخلاقی

۳. گروه نافذان: نیروهای متقاعدگر در مواجهات امنیت اخلاقی

۴. گروه راهبران: نیروهای تسهیل گر و ناظر عاملان امنیت اخلاقی

۵. گروه فشار: نیروهای وادارکننده ناقضان امنیت اخلاقی

مؤلفه های خلقی و منشی اقناعگری نیز دو مقوله از الگوی پنج وجهی تعالی فراجا، انجام شده توسط کرمی و همکاران (۱۴۰۱) را تأیید می کنند؛ یکی از پنج مقوله اصلی الگوی پنج وجهی تعالی فراجا، ارتباطات انسانی اجتماعی است که شامل سه مقوله فرعی (برخورد قاطع با کارکنان خاطی، برخورد مقتدرانه با بزهکاران، تعامل محترمانه با مردم) می شود.

درباره تأثیر اقناعگری در تغییر رفتار خاطی و کاهش جرائم اخلاقی در جامعه، بررسی های میدانی بیشتری لازم است صورت بگیرد. اما راه کارهای ذکر شده در این تحقیق، نتایج مشابه را تأیید می کنند. به عنوان مثال یافته ها، نتایج تحقیق رزمی و همکاران (۱۳۹۵) در زمینه کاهش مزاحمت های خیابانی را تأیید می کند که نشان دادند با روش هایی چون به کارگیری ماموران پلیس در مناطق آلوده به جرم مزاحمت، کنترل رفتار زنان و بکارگیری روش های پیشگیری وضعی، سازماندهی گشت های امنیت اخلاقی و افزایش اثربخشی آن از طریق تقویت نیروی انسانی، تجهیز واحدهای گشتی و آموزش های مستمر نیروهای فعال در امنیت اخلاقی می توان از بروز مزاحمت های خیابانی پیشگیری کرد. همچنین مؤلفه های رفتاری اقناعگری، شکل دهی ارتباط یاری رسان و تأمین بالینی، همسو با تحقیق پاکدل و طیبی (۱۴۰۱) است که ثابت نمودند اثرات مثبت و منفی رفتار پلیس جنبه عمومی دارد و مستقیماً بر امنیت جامعه اثر می گذارد و اعتماد عمومی، مشارکت عمومی، احساس امنیت، آرامش اجتماعی و رضایت عمومی به وسیله ادبیات رفتاری پلیس تبیین می شوند.

همچنین در تحلیل اثر مدیریت حلقه ای بر اقناع مخاطب در جرائم می توان به متغیر مداخله ای «اجتماع تسهیلگر ترمرد» اشاره کرد؛ توضیح آنکه: عدم اقناع مخاطبان، غالباً خود را در قالب رفتار ترمرد از فرمان پلیس نشان می دهد. ترمرد از فرمان پلیس که به کاهش اقتدار وی می انجامد، از عوامل و زمینه های متعددی اثر می پذیرد. یکی از آنها اجتماع تسهیلگر ترمرد است. (رحمانی، ۱۳۹۷) مدیریت حلقه ای با نفوذ در اجتماع محیط بر متخلف، می تواند اجتماع تسهیل گر ترمرد را از بین ببرد یا به اجتماع تسهیلگر اقناع تغییر دهد.

اصل اقناع در فعالیت های ضابط قانون، اشتراک دارد با اصل کیفی بودن قانون در مقام تقنین و اجرای آن؛ امروزه به جای اصل قانونی بودن جرم و مجازات در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر صحبت از اصل کیفی بودن است؛ یعنی آیا کیفیت قانون به گونه ای است که برای فرد قابل فهم

باشد یا خیر. قابل فهم بودن قانون، ایجاب می کند که ضابط قانون نیز در جایی که با متخلف از قانون روبرو می شود وارد مذاکره و گفتگو با او شده و قانون را در فضایی به دور از خشونت و تحکم، به وی تفهیم کند. (شریفان و رنجبران، ۲۰۱۲)

رویکرد جرم شناسی و تأمین بالینی در امنیت اخلاقی ثابت می کند که اگر جرم زدایی، همراه با جرم شناسی نباشد، به کاهش انحرافات اخلاقی نمی انجامد. به بیان دیگر، جرم زدایی نباید باعث شود امنیت اخلاقی به طور کلی از حیطة وظائف فراجا خارج شده و در حیطة نهادهای فرهنگی قرار بگیرد. بلکه پلیس اقناعگر با تأمین بالینی، در تلاش است زمینه ها و فاعل جرم را شناسایی کرده و متناسب با آن اقدامات لازم را صورت بدهد. بر خلاف تصور قالب که اقناع گری پلیس را، برخورد آرام و نرم وی دانسته و آن را در برابر برخورد سخت و توسل به زور قرار می دهد، الگوی اقتدار هوشمند و مؤلفه های رفتاری پلیس اقناعگر نشان می دهد اقناع گری، بهره برداری درست از اقتدار در موقعیت های مختلف است.

با تأسیس پلیس اقناعگر و جدی گرفتن نقش اقناعی پلیس امنیت اخلاقی، همان مداخله تخصصی و نوبی است که از آن در زمانه کنونی انتظار می رود و امید است بتواند جایگاه تأمین امنیت را در متن جامعه و قلوب مردم بدست آورد. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و فراجا با توجه مؤلفه های قدرت نرم به ویژه در حوزه هنر و فرهنگ، امکان و ظرفیت بهره گیری از قدرت نرم و قدرت اقناع را دارا می باشند.

سپاسگذاری: از دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان - جهت فراهم آوری زمینه پژوهش و اساتیدی که در گردآوری اطلاعات پژوهش همکاری داشتند کمال تشکر را دارم.

منابع

احمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) شناسایی عوامل حیاتی موفقیت ناجا تا پایان سند چشم انداز ۱۴۰۴ و ارائه الگوی مدیریت راهبردی، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، ش ۲، صص ۱-۳۴

پاکدل، مسعود و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر ادبیات رفتاری بر پویایی رابطه پلیس با مردم، فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ش ۹

جوانمرد، بهروز، بهبودی، مرجان (۱۳۹۶) نقش نظام تعلیم و تربیت در پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات حقوق، ش ۱۴

حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۸۴) ارتباط متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران، سمت

رحمانی، مریم (۱۳۹۷) مطالعه کیفی علل ترمرد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، ش ۲۲، شماره سوم، صص ۵۵-۸۲

رزمی، علیرضا، فاطمی، سیدمنصور، ادیبان، فرزاد، بوستانی، جمشید (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل تاثیر گشت‌های پلیس امنیت اخلاقی در پیشگیری از مزاحمت‌های خیابانی (مورد مطالعه استان بوشهر)، فصلنامه امنیت انتظامی دریایی، ش ۲۵

زارعی، مصطفی و مرادی، اصغر (۱۳۹۶) بررسی منزلت اجتماعی و فرهنگی پلیس در تبیین رفتار پلیس با شهروندان (با رویکرد پلیس جامعه محور)، فصلنامه دانش انتظامی بوشهر، ش ۲۸

سهرابی، حیدر (۱۳۹۹) آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی انتظامی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین سهرابی، محمد و عباسعلی رهبر (۱۳۹۴) تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآمدی پلیس جامعه محور، انتظام اجتماعی سال هفتم، شماره ۱

سید قریشی، ماریه و عمادی، عبدالله (۱۴۰۰) چارچوب مفهومی منش هدایتگر اخلاقی متقاعدکننده؛ ارائه نظریه داده بنیاد، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱

شاه مرادی، مرتضی (۱۳۹۸) مفهوم شناسی و واکاوی تبیین مفهوم پلیس فرهنگی، فصلنامه دانش انتظامی همدان، ش ۲۲

----- (۱۳۹۸ ب) تدوین و اعتباریابی شاخص‌های فرهنگ پلیسی، مرتضی شاه مرادی، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ش ۴

عسگری، جواد (۱۳۹۳) نقش مدیریت انتظامی در کنترل پدیده بدحجابی (مورد مطالعه: منطقه دو تهران) فصلنامه اطلاعات و امنیت انتظامی، سال ۴، ش ۸

عشرتی پور، مهدی (۱۳۹۵) تحلیل مردم‌شناختی رفتار فرهنگی پلیس با مردم؛ مطالعه موردی منطقه ۱۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

فتحی، آیت الله و همکاران (۱۳۹۸) بررسی الزامات رفتاری ناجا در تحقق امنیت اجتماعی جامعه اسلامی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۲۲، صص ۵۹-۸۰

قربانیان، نصرت، فتحی، سروش و عزیزخانی، اقباله (۱۴۰۱) نقش آگاهی بخشی پلیس از طریق رسانه‌های نوین در جلب مشارکت اجتماعی و تأمین امنیت شهروندان؛ مطالعه موردی تبریز، فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، سال ۹، ش ۲۵

کرمی، ذبیح الله و همکاران (۱۴۰۱) ارائه الگوی تعالی ناجا بر مبنای تدابیر و فرامین فرماندهی معظم کل قوا، فصلنامه علمی توسعه سازمانی پلیس، دوره ۱۹، شماره ۸۰، صص ۱۴۰-۱۶۵

مرادی، مرتضی (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر عملکرد کاری پلیس با نگرشی به تصمیم‌گیری حکیمانه، فصلنامه توسعه سازمانی پلیس، دوره ۱۶، ش ۷۱

مظلومان، رضا (۱۳۵۳) جرم‌شناسی: کلیات، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران

ملکی، احمد و رفیعی، حسن رضا (۱۳۹۵) ویژگی های اجتماعی پلیس مسلمان و راهکارهای تحقق آن در ناجا، فصلنامه دانش انتظامی همدان، سال سوم، ش ۱۱

موسوی، سید احمد، عزیزی، سعدی و همکاران (۱۳۹۹) شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، سال ۲۲، ش ۳، صص ۲۰۵-۲۳۲

میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۹۱) جامعه شناسی تاریخی امنیت در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نای، جوزف (۱۳۸۷) رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه الهام شوشتری زاده و محمودرضا گلشن پژوه، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

نویدنیایا، منیژه (۱۳۸۲) درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۹

وروایی، اکبر، چراغ آبادی، یوسف (۱۳۹۵) مدیریت انتظامی در رویکرد اجتماع محوری پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: سازمان های دولتی شهر کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ش ۳، صص ۳۲۵-۳۴۹

همتی، عباس، مردانی، صغری، رحمانی شمس، محمدرضا (۱۳۹۵) نقش تعلیم و تربیت در پیشگیری از بزهکاری، چهارمین همایش علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران

Thomas, D.C. (۲۰۰۶). "Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness". Group and Organization Management. Vol. ۳۱ No. ۱. pp. ۷۸-۹۹

Sharifan, N, Ranjbaran, G (۲۰۱۲) Study Quality Principle Instead of Principle Legality of Crimes, Australian Journal of Basic and Applied Sciences, ۶(۶): ۳۵۸-۳۶۰